

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۲۰ می ۲۰۱۷

در دفاع از طرز لباس پوشیدن "آریانا سعید"



به دور از هر نوع خودنمایی و یا فریب باید بنویسم که با تأسف شناخت من از هنرمند با استعداد، آزاده و شجاع میهن ما خانم "آریانا سعید" در حدی نیست تا به خود اجازه دهم تا له و یا علیه ایشان در کل صحبت بدارم از همین جهت محتوای این نوشته را بیشتر دفاع از طرز پوشش ایشان در کنسرت آخری که در پاریس اجراء کردند، می سازد. واضح است که چنین تجربیدی به هیچ صورت بدان معنا نیست که گویا من روی ملحوظات دیگری نمی خواهم به ارتباط شخصیت ایشان بحث بدارم.

چندین دهه دوری از کشور، برخورداری از شغل تمام وقت در خارج از خانه، سرپرستی از اطفال و مجموع خانواده به مانند تمام زنان افغان در بطن سیر قهررائی هنر و موسیقی در دوام فجایع هفت و هشت ثور و پیامد های آنها، که نخستین ابتدال را در هنر معرفی نمود و دومی ها، خواستند تا هنر را در چهارمیخ تحجر قرون به بند کشند؛ همه باعث شده بود که برای سالیان طولانی از هنر و موسیقی و تحولات آن در افغانستان به دور مانم. از همین جهت هیچ آشنایی با خانم "آریانا سعید" نداشتم. برای بار اول با اسم و چهره ایشان از طریق تلویزیون آشنا شدم، آنهم زمانی بود که ایشان یک تورنمنت فوتبال را با موسیقی زنده ای که اجراء می کردند، افتتاح نمودند. دیدن

آن صحنه و اجرای پر حرارت چند پارچه موسیقی که محتوای اشعار هم مردم را به وحدت و هماهنگی دعوت می نمود، و استقبال گرمی که تماشاچیان از ایشان به عمل آوردند و مرد و زن در جامعه "اسلام زده" افغانستان ایشان را با همان حرارت در اجرای موسیقی همکاری نمودند، نه تنها نخستین نطفه شناخت من از ایشان و موسیقی که اجراء می نمودند بود، بلکه با صداقت باید بپذیریم نخستین نقطه های احترام را به ایشان نیز می رسانید.

این احترام همزمان با این که به صدا و آهنگ و شعر ایشان رابطه داشت، در اصل ناشی از شجاعت و همت والای این خانم جوان بود که بپهراس از "اسلام زدگی" جامعه و بپهراس از جنبی که استعمار و ارتجاع بر مرد و زن افغان مستولی ساخته اند، تا به خود اجازه برون رفت از چهارچوب تنگ و تاریک "اسلام سیاسی" و یا بهتر است گفت اسلامی که نمایندگان "گلبدین" ها، "سیاف" ها، "محسنی" ها و "ربانی" ها بوده و اند، ندهند، با چنین شجاعتی با اجرای یک برنامه هنری همه را به نبرد فرا می خواند، نبردی که ویدیوها شهادت می دهند که مردم کابل حامی آن بودند.

هرچند از آن مسأله سالها گذشت، مگر باز هم روی همان دلایل قبلی نتوانستم فاصله ام را با هنرمندان افغان من جمله خانم "آریانا سعید" کم نموده، شناختم را از ایشان کاملتر بسازم. تا این که روز گذشته بر حسب تصادف حین جست وجوی برنامه های رادیویی افغانستان از طریق "یوتیوب" بار اول با چهره آقای "شفیع عیار" که قبلاً اسمی از ایشان به گوشم رسیده بود در حالی آشنا شدم که آقای "عیار" به اصطلاح انتقادشان را نسبت به پوشش "آریانا سعید" به صورتی بیان داشتند که مصداق کامل "دیوار را دو رویه کاهگل کردن" بود. یعنی از یک جانب به میخ می زدند و از جانب دیگر به نعل، یعنی در عین حالی که مسأله لباس پوشیدن خانم "سعید" را با اگر و مگر یک مسأله شخصی معرفی می نمودند، از ایشان می خواستند تا به مثابه "زن افغان" از چنان پوششی احتراز نمایند زیرا آن لباس به وی این امکان را می دهد تا اندازه های بدن خانم "سعید" را نیز بگویند- زبان لومپنیزم پوشیده-

شنیدن صحبت های آقای "عیار" با آن که می توانست به تنهایی انگیزه ورودم به این بحث باشد، مگر وقتی در رسانه های جمعی نیز متوجه شدم که از bbc گرفته تا صدای امریکا و به استناد گفته های آنها به صداها فیس بوک نیز به جای آن که اوضاع افغانستان و وضع رقت بار مردم آنها را مورد بررسی قرار دهند و یا انزجار و نفرت به حق شان را از باند های جنایت پیشه نوع گلبدینی، سیافی، ربانی-مسعودی ابراز بدارند، به لباس "آریانا سعید" چسبیده در عالم خیال جهت اندازه گیری بدنش، آن لباس را نیز نادیده می گیرند، بر خود لازم دانستم تا در مسأله از موضع خود وارد بحث شده، تمام آنهایی را که می خواهند به صورت علنی چون "اخوان بچه های فیس بوکی" و یا هم غیر علنی به مانند آقای "عیار"، "آریانا سعید" را با تمسک به بهانه های گوناگون در "دولاق" ببیچانند، به یک بحث علمی و آگاهگرانه دعوت نمایم، باشد از غوغای به وجود آمده، حد اقل در جهت ارتقای فهم و ذهن خود ما استفاده نموده باشیم.

به مثابه پیش درآمد بحث مختصراً باید بنویسم:

لباس و انواع آن چه برای مردها و چه هم برای زنها، پاسخی است که حیوان هوشمند مگر آسیب پذیر در مقابل ناملایمات طبیعی چون سرما، در مقابله با طبیعت یعنی نخستین تضادی که نوع بشر با آن دست و پنجه نرم می نمود، داده است. به عبارت دیگر، از آنجائی که انسان خلاف اکثر حیوانات و پرندگان، از لحاظ ساختمان طبیعی فاقد یک پوشش مناسب در مقابله با سرمای زمستان و یخبندانها بود، جهت گرم نمودن و زنده ماندن و بقایش در کل به دو نوع تکنیک دفاعی متوسل شد، یکی پناه جستن در غارها با افروختن آتش در آنجا که بعداً به ساختمان هدفمند خانه و سرپناه انجامید و دیگری هم استفاده از پوست حیوانات به غرض گرم نگهداشتن خود در خارج از منزل.

این که لباس سپر حفاظت انسان در مقابل سردی و گرمی هوا و ناملایمات اقلیمی است، فکر نمی‌کنم در عصری که ما زندگی می‌کنیم نیاز به سند و دلیل داشته باشد، با آنهم برای آنهایی که عادت دارند تا مطالب را دیر تر درک و بپذیرند، بهترین سند و شاهد بر صدق ادعا می‌تواند، طرز زندگی مردمان بومی آفریقا به حساب رود.

از این تذکر کوتاه می‌توان نتیجه گرفت که طرز پوشش انسان به مثابه سپر دفاعی انسان در مقابل طبیعت، در آغاز هیچ ربطی به این و یا آن دین و مذهب و یا فرهنگ و سنت نداشته، بلکه این ادیان و سنن بوده و اند، که از یکی از احتیاجات اولی انسان، سوء استفاده نموده با طرح حدود و ثغور برای آن اهداف سیاسی و طبقاتی شان را بر آورده ساخته اند.

از همین رو امروز در تمام جوامع انسانی وقتی پای پوشش مرد و یا زن به میان می‌آید دیده می‌شود که از یک طرف ادیان و مذاهب می‌خواهند با در اختیار قرار دادن آن، آرزوهای اختتام ناپذیر مردسالارانه شان را در به بردگی کشاندن زن برآورده سازند و از جانب دیگر سرمایه به مثابه مولود ناپاک پیدایش طبقات، زیر نام سنت و فرهنگ از آن سود جسته با عرضه مود های گوناگون، از رفع آن نیاز اولی برای خود آرگاه و بارگاه بسازند. تمکین به چنین خواستی بدان معناست که کسی بیاورد و برای نوع تنفس انسان مقررات مذهبی و یا هم مودی تعیین بدارد.

حال که تا اینجا آمدم بر می‌گردیم به بحث آقای "عیار" و کسان دیگری که به پیروی از ایشان و یا هم مستقلاً مگر به مانند ایشان خانم "سعید" را به خاطر طرز پوشش شان انتقاد نموده اند. این انتقاد ها هرچند به نام های مختلف خود را پنهان نموده بود مگر در اساس می‌تواند دو قسمت باشد: نخست آن لباس اسلامی نبوده و با معیار هایی که اسلام تعیین نموده همخوانی نداشته است و دیگری خانم "سعید" به مثابه "زن افغان" می‌بایست سنت و عرف افغانها را رعایت نموده چنان لباسی را بر تن نمی‌نمودند. – پنهان شدن در عقب ضرب المثل فوق ارتجاعی – نان بخور خود پسند، لباس ببوش خلق پسند.

با تمام احترامی که به فرد فرد معتقدان تمام ادیان و مذاهب داشته و دارم و برخورداری از آزادی عقیده را حق مسلم همه آنها می‌دانم این را هم به خود حق می‌دهم با صراحت اعلام بدارم که به آنچنان عقایدی که زن را در کفن سیاه و یا سفید پیچانده به وی اجازه تبارز در تمام ساحات اجتماعی به خصوص هنری ندهد، نه تنها هیچ گونه احترامی قابل نیست بلکه وظیفه خود می‌دانم علیه آن مبارزه نیز نمایم، بناءً برای آن عده از کسانی که در پوشش دین و دیانت بر طرز لباس خانم "سعید" انتقاد می‌نمایند، باید بنویسم: مگر بر آمدن خانم "سعید" در محضر عام حتماً با رعایت پوشش صد در صد اسلامی، جهت خواندن آواز و اجرای حرکات هنرمندانه اسلامی بوده که شما بحث را به پوشش وی محدود می‌سازید، آیا نباید به این آقایان و خانها گفت: اگر قرار می‌بود معیار شما در نظر گرفته می‌شد، اصولاً نمی‌توانست "آریانا سعید" وجود داشته باشد؟ در کجای دیانت تان آمده است که به یک زن اجازه دهد تا در محضر عام و در جلو چشمان هزاران مرد حاضر و ناظر از طریق برنامه های تلویزیونی، زنی حتماً با پوشش صد در صد اسلامی بیاورد و آواز بخواند و با حرکات زیبا و سرور آفرین مرد و زن شرکت کننده را به رقص بیاورد؟ تمام آنهایی که اینک لباس را بهانه ساخته اند، چرا جرأت ندارند و نمی‌گویند که اصولاً در دیانت شان نه تنها زنها بلکه حتماً مردها اجازه اجرای موسیقی شاد و تحریک آمیز را ندارند تا خوانندگان انتقاد هایشان بدانند که آنها با انسانهای امروزی طرف نیستند بلکه با مثنی از کسانی سروکار دارند، که از زهدان تاریخ دیر تولد شده دشمن موسیقی، هنر، رقص و حتماً نقاشی و مجسمه سازی می‌باشند.

و اما منتقدان نوع آقای "عیار"!

این ها که گویا نسبت به سنخ اول خود را پیشرفته تر و مترقی تر "ریکلام" می دارند و این را می پذیرند که خانم "سعید" به مثابه فرد این حق را داشته است تا چنان پوششی را بر تن نماید، مگر به مثابه "زن افغان" می بایست سنت ها و فرهنگ لباس پوشیدن جامعه ما را مراعات نموده از پوشیدن لباسی که اندازه های بدن شان را آشکار می ساخت احتراز می جست، می باید پرسید:

۱- خانم "آریانا سعید" در کجا و چه وقت گفته است که وی به نمایندگی از "زن افغان" چنان لباسی بر تن نموده است؟

۲- اصولاً لباس زنان افغان با در نظر داشت کثرت قومی و فرهنگی جامعه افغانستان، کدام یک است تا احیاناً اگر زمانی فرد دیگری بخواهد خود را با آن بپوشاند، از آن استفاده نماید. لباس زنان پشتون، لباس زنان هزاره، لباس زنان تاجیک، لباس زنان بلوچ و ... کدام یک؟ آنچه را شما در تمام آنها به مثابه یک محور مشترک بیان خواهید داشت، همانا مسأله "رعایت حجاب اسلامی" است. خانمها و آقایان منتقد!

آیا هیچ می دانید چیزی را که شما به مثابه محور لباس "زن افغان" معرفی می دارید، دقیقاً معیار دینی اسلام بوده و هیچ ربطی به فرهنگ پارینه مردم ما در اعصار قدیم، یعنی آن گاهی که زن و مرد افغان "اسلام زده" نشده بودند، ندارد.

۳- بادر نظر داشت آن که در لباسی که بتواند به مثابه لباس "زن افغان" گزیده شود، هیچ گاهی به دور از تأثیر سیافها و محسنی ها کدام نظر خواهی صورت نپذیرفته، تا لباس واحدی به مثابه لباس "زن افغان" از طرف جنس زن به رسمیت شناخته شود، اصولاً چه کسی حق دارد تا بگوید این و یا آن لباس مربوط زن افغان است و یا نیست؟

۴- آقای "عیار" تا جائیکه راجع به شما از دوستان و آشنایان شنیده ام گویا شما در تحمل تان چیزی بهتر از "گلبدین" و "سیاف" هستید، اگر واقعاً آنچه شنیده ام درست است، این را باید بدانید که هر فرد اعم از زن و یا مرد، زمانی که می خواهد در جامعه به فعالیت سیاسی آغاز نماید، از همانجائی که ایستاده است یعنی از موقف فکری و اعتقادی خودش به قضایا نگرسته، در همان مسیری گام می گذارد که آرزوی برآورده ساختنش را در دماغ می پرورد. نه این که بخواهد با فعالیت هایش به نفی خود اقدام نماید.

حال با در نظر داشت چنین حکمی، وقتی خانم "سعید" در کنسرت هایش ظاهر می گردد، طرزی لباس می پوشد که خودش می خواهد و می خواهد همین حق انتخاب پوشش را فرد فرد زنان افغان نیز داشته باشد، چطور است از شما پرسیده شود که وقتی شما از پوشش "زن افغان" صحبت می نمائید، کدام دور نمائی را می خواهید در انظار قرار دهید؟ زن زمان جامعه اوستائی و آریائی؟ زن در تحت سیطره اسلام در تمام اشکال آن اعم از سنتی و رادیکال و یا هم به رسمیت شناختن حق انتخاب پوشش به وسیله خود زنان، همان طوری که خود را راحت احساس نمایند؟

"آریانا سعید" با شجاعت کامل انتخاب خود را نموده است و برای داشتن آن حق از هیچ چیزی هم نمی هراسد، مگر شما می باید بر شف گفتن و دیوار را دو رویه کاهگل کردن خاتمه داده با صدای بلند ابراز دارید، که پیشنهاد شما برای زنان چیست؟ افکار پنسل پاک زده "گلبدین" ها و "سیاف" ها و یا متابعت از زنان آگاه و زنجیر گسلی از سنخ "آریانا سعید".

۵- آقای "عیار"، شما که خود را مسلمان می دانید و از همان منظر بر طرز لباس پوشیدن خانم "آریانا سعید" با زبان لومپنی اندازه های بدن وی را دانستن می تازید، حاضرید بنویسد که عمل شما از دید اسلام، یعنی چنان نظاره کردن یک زن اجنبی که بتوان اندازه های بدنش را دانست و از عقب لباس وی را بدون لباس نزد خود مجسم

ساخت، چیست؟ آیا چنان نظاره نمودنی ربطی به آیت "به زنا نزدیک نشوید" دارد و یا خیر؟ آیا اصولاً چیزی به نام زنای چشم در نزد خدا قابل بازخواست است و یا نه؟

۶- هنرمند شجاع و خوب میهنم خانم "آریانا سعید"!

ما همدیگر را نه دیده و نه هم می شناسیم، این درست همان رابطه ایست که بین خودت و میلیونها زن دیگر وجود دارد، مگر این ناشناسی موجب نمی گردد تا به عمل شجاعانه ات در قسمت انتخاب لباس به وسیله خودت احترام قایل نشده و آرزوی موفقیت های بیشتر برایت ننمایم.

همجنس شجاعم!

به راهی که انتخاب نموده ای به مانند گذشته شجاعانه و بیهراس از قوله شغالان اسلام سیاسی ادامه بده، مطمئن باش اگر آنها خلاف تو اقدام می نمایند، در مقابل میلیونها زن از ته دل عملت را می ستایند، که من هم یکی از همانها هستم. هر طوری که خودت می خواهی و خود را راحت احساس می نمائی، به همان سان لباس بپوش. چه لباس پوشیدن من و تو و دیگران هیچ ربطی به دین و فرهنگ ندارد.